

نوع مقاله: ترویجی

بررسی تحلیلی علل گرایشی صبر حضرت زهرا[ؑ] هنگام مصیبت

hekmatquestion@gmail.com

محمدعلی محیطی اردکان / استادیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی[ؑ]

sh.fayaz@chmail.ir

کسب سمانه کارگر شورکی / طلبة سطح سه اخلاق و تربیت اسلامی مؤسسه آموزش عالی حضرت زهرا[ؑ] میبد

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۷

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

چکیده

حضرت زهرا[ؑ] الگوی تمام مسلمانان در ابعاد گوناگون زندگی از جمله اخلاق به حساب می‌آیند. با توجه به اسوه بودن ایشان در تمام زمینه‌ها از جمله صبر، در این مقاله قصد داریم، علل گرایشی صبر ایشان هنگام مصیبت را بررسی کنیم. فعل اختیاری «صبر» مسبوق به پیش‌ها و گرایش‌هایی است؛ زیرا روح انسان علاوه بر بعد شناختی بعد گرایشی نیز دارد. امیال انسان در اثر عواملی رشد کرده و شکوفا می‌گردد. در این مقاله می‌کوشیم عوامل گرایشی صبر حضرت زهرا[ؑ] هنگام مصیبت را با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای بررسی کنیم. با تأمل در زندگی حضرت زهرا[ؑ] علل گرایشی مزبور را می‌توان بدین شرح برشمرد: احساس نیاز به خدا، احساس محبت و عشق به خداوند متعال، خشیت الهی، محبت و نفرت با معیار الهی، امید به استحقاق پاداش الهی برای صابران، امید به گشایش، میل به لذت و قدرت متعالی، روحیه قناعت و گرایش به رفع نیاز مالی دیگران. علل گرایشی صبر می‌تواند به نوبه خود عاملی برای تقویت این فضیلت اخلاقی و دستیابی انسان به مراتب بالاتر آن باشد.

کلیدواژه‌ها: صبر بر مصیبت، حضرت زهرا[ؑ]، ساحت گرایشی، فضیلت اخلاقی.

مقدمه

قرار گیرد؛ اما با توجه به برجسته بودن این فضیلت اخلاقی در زندگی حضرت زهرا[ؑ]، کوشیده‌ایم بر این الگوی استقامت و پایداری تأکید کرده و به شیوه تحلیل عقلی نشان دهیم که چه عوامل گرایشی باعث شد ایشان بتوانند هنگام مصیبت‌ها صبور باشند. بحث را با مفهوم‌شناسی آغاز می‌کنیم.

لغت‌شناسان صبر را به معنای حبس و نگهداری و نقیضش را جزع می‌دانند. صبر در بینش اسلامی امری ایجابی و فعالیتی درونی است که نیاز به اراده، نیرو و مقاومت دارد و هدف آن جلب رضایت خداوند است (ر.ک: محیطی اردکان و کارگر شورذکی، ۱۳۹۹).

۱. مفهوم ساحت‌گرایی

ساحت به معنای ناحیه و میدان (عمید، ۱۳۸۹، ص ۵۵۳) و مترادف با عرصه و قلمرو است. منظور از این واژه در پژوهش حاضر، حوزه، محدوده و دامنه خاصی است که مجموعه‌ای از امور را پوشش می‌دهد. هنگامی که از فضیلت اخلاقی صبر و پایداری سخن به‌میان می‌آید، در نگاه نخست می‌خواهیم ببینیم مربوط به کدام بُعد از ابعاد وجودی انسان است. انسان دارای دو بعد روحی و جسمی است که این ابعاد نیز با توجه به ارتباط انسان با خدا، خود، دیگر انسان‌ها و طبیعت جنبه‌های دیگری نیز پیدا می‌کند. براین اساس، می‌توان ساحت‌های وجودی انسان را به‌طور کلی به سه ساحت بینشی، گرایشی و رفتاری تقسیم کرد و علل صبر هنگام مصیبت در سیره فاطمی را با توجه به ساحت‌های سه‌گانه مزبور بررسی کرد. در این مقاله درباره علل گرایشی این فضیلت اخلاقی بحث می‌کنیم. ساحت گرایشی مربوط به نفس و روح انسان است؛ زیرا هرچند انسان با ابزار چشم مادی می‌بیند؛ اما با روح خود لذت می‌برد. ابزار گرایشی در جسم وجود دارد، اما حقیقت آن در روح آدمی است. منظور از گرایش، امیال و خواسته‌های انسان است. می‌توان میل‌های باطنی انسان را به چهار دسته غریز، عواطف، انفعالات و احساسات تقسیم کرد. مقصود از گرایش در ساحت گرایشی همه این میل‌ها، اعم از مثبت و منفی است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۳۱)؛ مانند امید، محبت و عشق که گرایشی مثبت به حساب می‌آیند و در روابط انسانی کشش جاذبه را ایجاد می‌کنند و بیم و ترس که گرایش منفی به‌شمار آمده و در روابط، دافعه ایجاد می‌کنند.

دشواری‌ها و مصیبت‌های گوناگون، لازمه زندگی در دنیاست و استقامت و پایداری می‌طلبد. صبرورزی نه‌تنها آرامش خاطر دنیوی را به‌همراه دارد؛ بلکه براساس آموزه‌های اسلام باعث تکامل انسان شده و یکی از عوامل دستیابی به سعادت اخروی به‌شمار می‌رود. بنابراین انسان باید هم خود استقامت ورزد: «... وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ...» (شوری: ۱۵) و هم دیگران را به آن دعوت کند: «... وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر: ۳).

در نگاه نخست، استقامت هنگام مصیبت چندان ساده به‌نظر نمی‌رسد. از این رو، باید از صبرپیشگان الگو گرفت و با کشف راه‌های استقامت و عوامل تقویت روحیه صبر به درجه‌ای از این فضیلت اخلاقی دست یافت. حضرت زهرا[ؑ] در زندگی کوتاه خود با مصائب فراوان فردی، اجتماعی و سیاسی روبه‌رو بودند. از آنجاکه ایشان از الگوهای صبر و استقامت به‌شمار می‌روند، در این پژوهش می‌کوشیم با روش تحلیلی به این سؤال پاسخ دهیم که ایشان با استفاده از چه علل گرایشی توانستند در برابر این‌همه مصیبت استقامت ورزند؟ روشن است که دستیابی به آثار فراوان دنیوی و اخروی صبر با به‌کارگیری این گرایش‌ها و دستیابی به مقام صبر امکان‌پذیر است. بدین سان در پژوهش حاضر می‌کوشیم با توجه به برخی مبانی انسان‌شناختی نظام اخلاقی و تربیتی اسلام، از جمله توجه به ساحت‌گرایی انسان، علل گرایشی استقامت‌ورزیدن و تقویت روحیه صبر را طبقه‌بندی و تحلیل کنیم. در این صورت می‌توان با تقویت گرایش‌ها، زمینه را برای تقویت بینش و رفتار اختیاری صبر فراهم کرد. نتیجه این فرایند تدریجی، گام نهادن در مسیر سبک زندگی اسلامی تا دستیابی به کمال نهایی است.

هرچند درباره صبر حضرت زهرا[ؑ] به‌صورت کلی کتاب‌ها و مقالاتی به رشته تحریر درآمده و حتی درباره علل بینشی صبر حضرت زهرا[ؑ] هنگام مصیبت نیز مقاله‌ای تدوین شده است (محیطی اردکان و کارگر شورذکی، ۱۴۰۰)؛ اما براساس جست‌وجوی صورت‌پذیرفته، مقاله‌ای درباره علل گرایشی صبر حضرت زهرا[ؑ] هنگام مصیبت یافت نشد.

گفتنی است که هرچند عوامل گرایشی بیان شده در این مقاله به صبر حضرت زهرا[ؑ] - هنگام مصیبت - اختصاص ندارد و می‌تواند برای دیگر انسان‌های خودساخته و به‌صورت عام نیز مورد بررسی

فی عِبَادِكِ» (همان، ص ۲۵۱)؛ و اینکه نیازمان را به خودش بیفزاید تا اینکه از غیرخدا بی‌نیاز شویم: «زِدْنَا لَكَ شُكْرًا وَ إِلَيْكَ فَقْرًا وَ فَاقَةً وَ بِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ غِنًى وَ تَعَفُّفًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۷، ص ۳۳۸). بنابراین کسی که بنده خدا شد و خدای قادر مطلق را مالک و صاحب خود دید و دانست که تمام عزت‌ها و ذلت‌ها به دست اوست، در مقابل مصیبت‌های کوچک دنیوی صبر خود را از دست نمی‌دهد، جزع و فرع نمی‌کند و به خداوند پناه می‌برد؛ زیرا مطمئن است که همیشه در پناه خدایی است که با او رابطه شخصی دارد و بدین وسیله می‌تواند در گرفتاری‌ها صبر کند و در این پناهندگی به سمت خدا عشق او را در خود تقویت کرده و می‌پروراند.

۲-۲. احساس محبت و عشق به خداوند متعال

حب به خدا عاملی برای حرکت به سوی اوست؛ خداوند متعال به حضرت داوود[ؑ] فرمود: «مَنْ أَشْتَقَّ إِلَيَّ حَبِيبٍ جَدَّ فِي السَّبْرِ إِلَيْهِ... وَ أَنَا خَاصَّةً لِلْمُحِبِّينَ» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۷۹)؛ کسی که مشتاق دوستی است، در حرکت به سوی او تلاش می‌کند... و خودم به محبین و دوستدارانم اختصاص دارم. انسان که حب به ذات دارد، در تلاش است که به کمال خود دست یابد و هرچه مرتبه حب بالاتر باشد، خدادوستی هم بیشتر خواهد بود. منظور از ذات در «حب به ذات»، ذات خدایی و الهی و به تعبیری دیگر، «من علوی» است. کسی که غرق در خداست، ذاتش، خدایی است.

حضرت زهرا[ؑ] به دلیل محبتی که به خدا داشتند، به سوی او حرکت می‌کردند. در دعای روز جمعه خود می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... أَحَبَّكَ فِي جَمِيعِ خَلْقِكَ» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۳۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۷، ص ۳۳۹)؛ خدایا ما را از کسانی قرار بده که در میان همه خلق و آفریدگانت تو را دوست دارند. همچنین در حدیثی دیگر فرمودند: «إِلَهِي أَنْتَ الْمُنَى وَ فَوْقَ الْمُنَى» (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۷۴)؛ خداوند تو تمنا و آرزوی من هستی و برتر از تمنا و آرزوی من هستی. ایشان همه چیز را از خداوند می‌دانستند و خداوند را بر بنده‌اش مهربان‌تر از مادر دلسوز نسبت به فرزند می‌دانستند؛ همان‌گونه که پیامبر خدا[ؐ] فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَرْحَمُ بَعْدِهِ مِنَ الْوَالِدَةِ الْمُشْفِقَةِ بَوْلِدِهَا» (قتال نیشابوری، ۱۳۷۵ق، ج ۲، ص ۵۰۳). یا زمانی که جبرئیل به پیامبر[ؐ] وحی کردند که خداوند در مقابل انفاق فاطمه[ؑ] هرچه بخواهد به او می‌دهد.

ساحت گرایشی در رفتار انسان نقش اساسی دارد. هر فعل اختیاری بر باور و میل استوار شده است که امیال باید همسوی با بینش‌های صحیح او تقویت، تصحیح و تعدیل شود. نقش گرایش و میل برای انجام افعال اختیاری انسان انکارناشدنی است. بینش بدون گرایش و بالعکس، به انجام یک کار نخواهد انجامید. درواقع، گرایش و بینش با هم در ارتباط هستند؛ «زیرا هر گرایشی در انسان، متعلق خود را نشان می‌دهد و با نوعی شناخت به متعلق آن همراه است» (mesbahyazdi.ir)؛ مانند مصیبت، که انسان ابتدا نسبت به آن شناخت دارد و پس از آن، گرایش صبر یا جزع در او ایجاد می‌گردد و در نهایت به فعل استقامت و صبر یا جزع و بی‌صبری ختم می‌گردد.

۲. علل گرایشی صبر حضرت زهرا[ؑ] بر مصیبت

بررسی عوامل صبر حضرت زهرا[ؑ] بر مصیبت در ساحت گرایشی از این جهت می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد که با توجه به مقام عصمت ایشان، می‌تواند شاخصه‌هایی را به دست دهد که عمل براساس آنها ضامن اعتدال گرایشی انسان باشد. اگر بتوان از یک طرف نشان داد که گرایش‌هایی متعالی در حضرت زهرا[ؑ] وجود داشته که بر پایه ادله نقلی یا عقلی، استلزاماتی مانند صبر هنگام مصیبت را در پی دارد؛ مدعای مقاله با روش تحلیلی به اثبات رسیده است. براساس این رویکرد در استنباط علل گرایشی صبر حضرت زهرا[ؑ] هنگام مصیبت، نتیجه تربیتی به دست آمده قابلیت تعمیم خواهد داشت و امری شخصی و غیرهمگانی تلقی نخواهد شد. براین اساس عوامل مزبور بدین شرح‌اند:

۲-۱. احساس نیاز به خدا

دل‌های بسیاری از انسان‌ها در شرایط سخت، مانند شرایطی که همه امید خود را از اطرافیان خود از دست می‌دهند، متوجه قدرت بی‌نهایت خداوند می‌شود؛ اما انسان‌های متعالی با افزایش جهان‌بینی، فقر و نیاز ربطی‌شان به خداوند را می‌یابند و همواره خود را وابسته به او احساس می‌کنند. این احساس نیاز به خداوند که همان احساس بندگی است، می‌تواند یکی از علل صبر هنگام مصیبت باشد.

حضرت زهرا[ؑ] در دعاهای خود، تنها خدا را معبود خود می‌دانستند و از او می‌خواستند که ایشان را در زمره بندگان خود قرار دهد: «لَا إِلَهَ غَيْرُكَ» (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق، ص ۲۵۳)؛ «وَ اجْعَلْنِي

۲-۴. محبت و نفرت با معیار الهی

بر طبق حدیث پیامبر ﷺ: «فَاطِمَةُ بُضْعَةٌ مِّنِّي يُرْضِيَنِي مَا أَرْضَاهَا وَ يُسْخِطُنِي مَا أَسْخَطَهَا» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۹)؛ فاطمه پاره تن من است، هر که او را راضی کند مرا راضی کرده و هر که او را به غضب آورد، مرا غضبناک کرده است. حضرت زهرا ﷺ معیار محبت و نفرت الهی است. هر چیزی که ایشان را شاد کند، خدا را شاد کرده است و هر چیزی که ایشان را به خشم آورد، خدا را به خشم می آورد. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ أَوْثَقَ عَرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ تَوَلَّى [تَوَلَّى] وَلَى اللَّهِ وَتَعَادَى [التَّبَرَّى مِنْ] عَدُوِّ اللَّهِ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۶۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۲۶)؛ محکم ترین ریسمان ایمان، دوستی و دشمنی در راه خدا است؛ یعنی دوست داشتن دوست خدا و بیزاری جستن از دشمن خدا. مقام اول صبر در این مبحث را می توان صبر در مقام تَوَلَّى دانست. ایشان با محبت و دوست داشتن ولی خدا به مردم می آموزند که باید حامی و دوستدار ولایت بود. بنابراین کسی که فردی را به خاطر خدا دوست می دارد، می تواند به خاطر این دوست داشتن، هنگام مصیبت نیز او را یاری کند و بر مشکلات صبر کند؛ مانند ۷۲ تن از یاران سیدالشهدا ﷺ که در سرزمین کربلا بر تمام مصایب صبر کردند؛ زیرا آنها امام حسین ﷺ را دوست خدا می دانستند.

بنابراین در مقام صبر نیز باید در مقابل دشمنان در موضوعات حساس و حیاتی بایستند و توطئه های آنها را افشا کنند؛ و حضرت زهرا ﷺ این ایستادگی و مقاومت را با بیان و قهر خود نشان دادند. این عمل ایشان سبب بیداری و بصیرت مردم می شود؛ تا آنها نیز بدانند نفرت خودشان را در برابر چه کسانی باید نشان دهند. می توان نام آن را صبر در مقام تَبَرَّى نامید. در همان مثال قبلی، برخی از یاران امام حسین ﷺ بصیرت دشمن شناسی را داشتند، برخی هم مانند حر با سخنان حضرت بصیرت شناخت دشمن خدا را پیدا کردند و بعد از آن با آنها جنگیدند و بر مصیبت جنگ صبر کردند. معیار و میزان محبت و نفرت انسان باید تقرب به خدا باشد. افرادی که این معیار را انتخاب کنند، در مصیبت ها نیز صبر کرده؛ با دوستان خدا با محبت، و نسبت به دشمنان خدا با نفرت برخورد می کنند. بنابراین یکی از علل صبر می تواند، محبت و نفرت با منشأ الهی باشد.

حضرت فاطمه ﷺ در جواب پدر عرض کردند: «یا ابتاه شَغَلَنِي عَنْ مَسْئَلَتِهِ لَذَّةُ خِدْمَتِهِ، لِاحْتِاجَةِ لِي غَيْرُ لِقَاءِ رَبِّي الْكَرِيمِ فِي دَارِ السَّلَامِ» (محللاتی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۰۵)؛ لذتی که از خدمت حضرت حق می برم، مرا از هر خواهشی بازداشته است. حاجتی جز آن ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم.

انسانی که به خداوند محبت می ورزد، هر چه از خداوند به او برسد، چون از دست محبوبش به او می رسد، راضی و خشنود است. پدر، مادر، جان، مال و... همه را امانتی از طرف خداوند می داند؛ امانتی که روزی به نزد صاحب اصلی خود بازمی گردد. انسان از دست دادن این امانت ها را مصیبت می داند و در این مصیبت ها باید صبر کند و عبارت استرجاع، یعنی «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) را بر زبان جاری سازد. بدین سان، محبت و عشق به خداوند می تواند از علل صبر بر مصیبت باشد که در زندگانی معصومان ﷺ از جمله حضرت زهرا ﷺ آشکار است.

۲-۳. خشیت الهی

انسان باید در مقابل بلا یا صبر و استقامت بورزد، تا گرفتار عذاب الهی نشود. امیرمؤمنان علی ﷺ در این مورد می فرمایند: در برابر عملی که از پاداشش بی نیاز نیستی و همچنین عملی که به کيفرش طاقت نداری، ایستادگی کن (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۳۷).

در هیچ نقل تاریخی مشاهده نشد که حضرت زهرا ﷺ از عقاب خداوند متعال ترسیده باشند؛ هر چند به خاطر خشوع در مقابل خدا بدنشان می لرزید و خشیت الهی داشتند (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۹۵؛ طبری املی، ۱۳۸۳ق، ص ۱۹۸). خشیت آن حضرت از علمشان سرچشمه می گرفت؛ همان گونه که قرآن می فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸). که تنها دانایان از خدا می ترسند. بنابراین پاداش این خشیت و نگه داری نفس از مصیبت، سعادت ابدی و بهشت است: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﷻ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات: ۴۰-۴۱).

همان طور که گفته شد، منشأ صبر حضرت زهرا ﷺ خشیت الهی بود؛ اما برای افرادی که در سطوح پایین تر دانایی نسبت به حضرت زهرا ﷺ قرار دارند؛ علت صبر می تواند بیم از عذاب و عقاب خداوند باشد. کسی که در مصیبت از خدا یا عقاب خدا ترسد، ممکن است دست به هر کاری بزند؛ به طور مثال، در مصیبت فقر، به دزدی تمایل پیدا کند و... اما فردی که بترسد، بر مصیبت صبر می کند.

۲-۵. امید به استحقاق پاداش الهی برای صابرين

انسان اگر بداند پاداش به دست آمده از صبر بر مصیبت، بسیار بیشتر از چیزی است که از دست داده است؛ بهتر می‌تواند مصیبت را تحمل کند. در برخی آیات به این پاداش‌ها اشاره شده است؛ مانند آیات ۵۹ و ۵۸ سوره «عنکبوت» که پاداش صابران را غرغه‌هایی از بهشت که نهرها در زیر آن جاری است، می‌داند. در آیه ۱۰ سوره «زمر»، پاداش بی‌حساب و در آیه ۹۶ سوره «نحل»، پاداش، مطابق بهترین اعمال ایشان دانسته شده است. در آیه ۱۱۱ سوره «مؤمنون»: «إِنِّي جَزِيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ»، پاداش صبر علی‌بن ابی‌طالب[ؑ]، فاطمه[ؑ]، حسن و حسین[ؑ] را بهشت می‌داند (حسکائی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۵۳۱). روایاتی نیز در این زمینه وارد شده است؛ مانند: کسی که مهربان و صبور باشد، بدون حساب وارد بهشت می‌شود (شهید ثانی، بی‌تا، ص ۴۵-۴۶) و کسی که بر گرفتاری صبر کند، اجر هزار شهید دارد (همان، ص ۴۷).

علامه مصباح یزدی معتقد است: ثواب‌های اخروی که به‌عنوان پاداش صبر بیان می‌شوند، برای افرادی که در مراتب پایین‌تری نسبت به مراتب عالی ایمان قرار دارند، موجب تشویق به صبر می‌شود (mesbahyazdi.ir). مرحوم نراقی این مرتبه را متعلق به زاهدان و پرهیزگاران دانسته است (نراقی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۸۴)؛ اما می‌تواند به‌عنوان تشویق به صبر، برای همه افراد، در هر مرتبه‌ای به‌شمار آید. حضرت زهرا[ؑ] که در مراتب عالی ایمان قرار دارند، رسیدن به پاداش را جزء اهداف میانی خود قرار داده‌اند؛ همان‌گونه که خود، شکیبایی و صبر را موجبی برای جلب پاداش می‌دانند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹، ص ۲۲۳)؛ و هدف اصلی ایشان را می‌توان همان قرب الهی دانست.

۲-۶. امید به گشایش

امید به گشایش یک روش تربیتی است که سبب ایجاد روحیه استقامت در انسان می‌شود. نمونه آن را می‌توان در زندگانی حضرت زهرا[ؑ] مشاهده کرد، که با صبر و استقامت برای ایشان گشایش به وجود آمد و به ایشان لقب محدثه داده شد (سلیم‌بن قیس هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۸۲۴)؛ یعنی فرشتگان با ایشان صحبت می‌کردند و ایشان را به‌عنوان سرور زنان عالم معرفی می‌کردند (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۲).

روایات دیگری نیز در زمینه صبر به امید گشایش، آمده است؛ مانند آنچه از سنت امام باید آموخت؛ شکیبایی در گرفتاری‌ها و ناراحتی‌هاست تا خداوند گشایش در امورش را برساند (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۲۲۱)؛ و با صبر انتظار گشایش می‌رود (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۳۹).

۲-۷. میل به لذت متعالی

گرایش‌های فطری انسان به‌طور کلی مزدوج و دو رویه هستند و هریک از آنها یک جهت اثباتی و یک جهت نفی دارند؛ یا یک قطب مثبت و یک قطب منفی دارند. یعنی انسان فطرتاً و ذاتاً به لذت و خوشگذرانی روی می‌آورد؛ در مقابلش از رنج و درد و مصیبت متنفر است و تنفر از آن نیز به‌صورت تکوینی و غیراختیاری در روان انسان وجود دارد؛ یعنی نسبت به مصیبت، گرایش منفی دارد و آن را نمی‌خواهد؛ چنان‌که نسبت به لذت و خوشگذرانی گرایش مثبت دارد و خواهان آن است (mesbahyazdi.ir).

طبیعت زندگی انسان نیز با مصیبت و سختی همراه است؛ هرچند به‌طور فطری از آن گریزان است، اما چاره‌ای جز رویارویی با آنها ندارد. بنابراین خداوند در مقابل تحمل این مصایب و سختی‌ها، لذت‌های ابدی و پایدار قرار داده است. انسان با یادآوری آن لذت‌ها می‌تواند از این لذت‌های فانی و زودگذر که خود نیز با درد و رنج همراه است، چشم‌پوشی کند و چشم امیدش به آن لذت‌های همیشگی و بدون درد و محنت باشد.

حضرت زهرا[ؑ] نیز در جریان بیماری فرزندان خود، نذر کردند و سه روز روزه گرفتند و در این سه روز افطار خود را به نیازمندی که به درب خانه ایشان رجوع کرده بود، بخشیدند (انسان: ۸ و ۷) و سختی گرسنگی سه روزه این دنیا را تحمل کردند و در مقابل، خداوند به آنها بهشت و نعمت‌های آن را ارزانی داشت (انسان: ۱۲). بنابراین گرایش به لذت‌های پایدار و دائمی می‌تواند به‌منزله یکی از علل گرایشی صبر بر مصیبت باشد.

۲-۸. میل به قدرت متعالی

انسان گرایش نامحدود، فطری و بدون هیچ حد و مرزی به قدرت دارد. جهت اثباتی این گرایش، داشتن قدرت و جهت نفی آن، عاجز بودن و وابستگی به دیگران است؛ که تمایل به جهت اول و تنفر از جهت دوم، سبب سعی و تلاش و صبر بر مصایب است. در گرایش

۲-۹. روحیه قناعت

اگر انسان در تمام نیازهای خود از جمله خوراک، مسکن، شهوات، ثروت، پوشاک و... قناعت پیشه کرده و ریشه طمع را در خود بخشکاند، با فراغت بال می‌تواند به‌سوی محبوب حقیقی خود توجه کند. اگر انسان قانع نباشد، هرچقدر دنیا را به‌دست آورد، باز خواهان مقدار بیشتری از آن است و این حرص و آز تمام‌شدنی نیست. شخصیت فرد قانع چنان است که بر نفس خود مسلط و به مال و جاه دنیا بی‌اعتناست که گویی مالک تمام دارایی‌های دنیاست و در مقابل او شخص حریص قرار دارد که اگر تمام دنیا را داشته باشد باز در درون خود فقیر، نیازمند و بی‌شخصیت است که این فقر، فقر حقیقی نیست.

انسان با تفکر در عاقبت طمع می‌تواند، نفس خود را از حرص به‌دنیا بازدارد. کسی که به قسمت و داده خدا قانع باشد، از فکر دنیا و غم و غصه آن آزاد است و کسی که قانع نباشد، همواره در فکر دنیاست و غم و غصه او نیز پایانی ندارد. خود را به زحمت و مشقت بی‌جا می‌اندازد که عاقبتی ندارد و در ضمن همراه با اضطراب، نارضایتی و خیالات فاسد است. انسان قانع زمان و نیروی خود را برای تجملات و فضولات زندگی خرج نمی‌کند. انسان با قناعت عزت می‌یابد و بر نفس خود پیروز می‌گردد. پیامبر ﷺ فرمودند: قناعت، مالکیت و سلطنتی است که پاینده است. قناعت، مرکب رضایت و خشنودی پروردگار متعال است، و شخص قانع که سوار قناعت است، به‌وسیله آن به‌سوی خداوند سیر می‌کند. پس در آن چیزهایی که تو را داده نشده است، لازم است به خدا توکل کنی و نسبت به آن امور و نعمت‌هایی که تو را عطاء شده است، راضی و خوشحال باشی و در باید مقابل پیشامدها و حوادث و ناگواری‌هایی که به تو می‌رسد، صبر و تحمل کنی؛ زیرا صبر به ناملازمات و تحمل در مقابل ناگواری‌ها از راسخ‌ترین امور است (منسوب به امام صادق ﷺ، ۱۴۰۰ق، ص ۲۰۳؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۷۶).

حضرت زهراؑ با بهره‌مندی از روحیه قناعت، در ناداری‌های مالی استقامت می‌ورزیدند و در دوره‌ای که برخی لباس حریر می‌پوشیدند، به پوشیدن لباسی متناسب با شأن دختر رسول الهی قناعت می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۲۲۲).

۲-۱۰. گرایش به رفع نیاز مالی دیگران

عواطف انسانی، زمانی که فردی را نیازمند می‌بیند به جوش و

به قدرت، به‌طور کلی باید حد اعتدال را رعایت کرد. حد تفریط آن رضایت دادن به قدرت کم و فانی، و حد افراطش هم به‌دست آوردن قدرت به هر قیمتی؛ یا کسب قدرت با هر انگیزه‌ای است. رضایت دادن به قدرت کم به این معناست که انسان به قدرت ناچیزی که رسید، خوشحال شده، دیگر دست از تلاش و کوشش بردارد و سختی بیشتر و صبر افزون‌تر بر خود روا ندارد.

قدرت‌های انسان در این دنیا جنبه ابزاری و مقدمی دارد؛ یعنی برای رسیدن به قدرت برتر و بالاتر مطلوب است. صاحب اصلی همه قدرت‌ها خداوند متعال است و انسان از خود هیچ قدرتی ندارد. زمانی که انسان خدا را صاحب اصلی قدرت بداند، سعی می‌کند قدرت حاصل‌شده را در مسیری که او فرمان داده است، به کار گیرد.

حضرت زهراؑ نیز در خطبه فدکیه، قدرت خود را به رخ غاصبان خلافت می‌کشد؛ ابتدا با بیان رسا و سخنان بلیغ خود و سپس با اصل و نسب خود، می‌فرماید: پیامبری از میان شما برخاست و به‌سوی شما آمد که از رنج‌های شما رنج می‌برد و به هدایت شما علاقه وافر داشت و نسبت به مؤمنان مهربان و رحیم بود، هرگاه نسبت او را بجویید، می‌بینید، او پدر من بوده است نه پدر شما (ابن طیفور، بی‌تا، ص ۲۴؛ ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۶۴؛ جوهری بصری، بی‌تا، ص ۹۹). در ادامه، قدرت پیامبر در هدایت مردم و قدرت امیرمؤمنان در جنگ‌ها را بازگو کردند و... (ابن طیفور، بی‌تا، ص ۲۴-۲۵؛ ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۶۴). هدف ایشان از بیان‌های مزبور، بازگرداندن قدرت ولایت بر مردم به جانشین بر حق و منصوب‌شده الهی بود، تا همان‌گونه که خود فرمودند حتی میان دو نفر اختلاف و تفرقه‌ای به‌وجود نیاید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۶، ص ۲۲۶). آن حضرت برای رساندن قدرت ولایت به صاحب اصلی آن، تلاش و سعی بسیار کرده و مصایب فراوانی را تحمل کردند. اگر ایشان میل متعالی و حق‌طلبانه به قدرت نداشتند، هرگز این همه سختی و مصیبت را تحمل نمی‌کردند و در مقابل غاصبان خلافت نمی‌ایستادند. ایشان می‌دانستند که داشتن قدرت یکی از ابزارهای برقراری حکومت اسلامی و اجرای عدالت و مساوات است. بنابراین وجود این میل در درون ایشان سبب صبر و استقامت‌شان شد و هرکسی که این میل را در درون خود تقویت کند و پویا نگه‌دارد، می‌تواند با توکل بر خدا، تلاش خود را ادامه دهد و هنگام مصیبت صبر و استقامت کند.

معیار محبت و نفرت حضرت زهرا[ؑ] الهی بود؛ به خاطر خدا، در دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا صبر می کردند. ایشان صبر و شکیبایی را موجبی برای جلب پاداش الهی می دانستند و در مصایب صبر می کردند تا خداوند در کارها گشایش قرار دهد.

انسان به طور فطری لذت و قدرت را دوست دارد و از رنج و عجز متنفر است؛ اما باید بداند که زندگی دنیوی با درد و رنج همراه است؛ بنابراین باید در مسیر زندگی حد اعتدال را حفظ کند و از جاده مستقیم منحرف نگردد و به دنبال لذت‌ها و قدرت‌های متعالی که در پرتو رضایت و قرب الهی به دست می آید، باشد. براین اساس، میل به لذت و قدرت متعالی نیز می تواند از دیگر عوامل گرایش صبر هنگام مصیبت به حساب آید.

حضرت زهرا[ؑ] با روحیه قناعت بر مصیبت‌ها صبر کردند، به دنبال زرق و برق دنیا نبودند و زمان و نیروی خود را صرف این امور نکردند. ایشان با گرایش به رفع نیاز مالی دیگران و کمک به آنها گرسنگی و فقر دنیوی را تحمل می کردند و در رفع نیاز آنها، ایشان را بر خود مقدم می داشتند. امید است با تقویت عوامل گرایشی مزبور بتوان در کنار افزایش معرفت، به مقام صبر جمیل دست یافت.

خروش درمی آید و بسته به ظرفیت و هوش عاطفی شخص در رفع نیازهای آن فرد نیازمند تلاش می نماید. انسان‌های کامل از ضریب هوش عاطفی بالاتری برخوردار هستند و نسبت به افراد دیگر در رفع نیازهای دیگران بیشتر تلاش می کنند؛ بنابراین معصومان[ؑ] با توجه به برخورداری‌شان از هوش عاطفی بالاتر در رفع نیازهای دیگران بیشترین سعی و تلاش را دارند. امام صادق[ؑ] فرمودند: «خدای بزرگ فرموده است: آفریدگان عیال من هستند، پس محبوب‌ترین آنان در نزد من کسی است که به آفریدگان مهربان‌تر و در رفع نیازمندی ایشان کوشاتر باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۹۹).

حضرت زهرا[ؑ] نیز که تحت تربیت پیامبر[ؐ] بزرگ شده بودند، به افراد نیازمند به شایسته‌ترین وجه کمک می کردند. برای نمونه آن حضرت در شب عروسی خود لباس عروسی خود را به نیازمندی که به ایشان رجوع کرده بود، بخشیدند و خود به لباس کهنه اکتفا کردند (جزائری، ۱۳۸۱، ص ۲۲۵). ایشان برای رفع نیاز مالی دیگری، بر پوشیدن لباس کهنه‌ای در یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های زندگی‌شان صبر کردند.

نتیجه‌گیری

آراستگی به فضیلت اخلاقی صبر یکی از پله‌های رسیدن به کمال و سعادت است. برای آراسته شدن به این فضیلت توجه به الگوهای کاملی مانند حضرت زهرا[ؑ] بسیار تأثیرگذار و راه‌گشا است؛ زیرا ایشان از گناه و اشتباه به دور هستند و سبک زندگی ایشان چراغ هدایت بشریت برای کسب این فضیلت اخلاقی است. پژوهش حاضر بر واکاوی علل گرایشی صبر حضرت زهرا[ؑ] هنگام مصیبت متمرکز شده و به نتایج زیر دست یافته است:

انسان عین نیاز و فقر به خداست و یکی از نیازهای حقیقی انسان، عبد خدا بودن است. حضرت زهرا[ؑ] خود را نیازمند به خداوند تعالی می دانستند که این احساس نیاز سبب اعتماد و توکل بر خداوند هنگام مصایب شد و صبر بر مصیبت را برای ایشان ساده کرده، باعث محبت و عشق مضاعف به خداوند شد؛ زیرا محبوب حقیقی هنگام سختی و مصیبت به یاری فرد می آید و باعث فزونی محبت می گردد. از آنجاکه در روابط جاذبه و دافعه هر دو مورد نیاز است؛ خشیت الهی و - در مرتبه‌ای پایین‌تر - بیم از عذاب و عقاب الهی نیز می تواند سازنده باشد و از بروز رفتارهای ناشایست و جزع و فزع ممانعت به عمل آورد.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی، چ دوم، تهران، مدرسه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، تحقیق جمعی از محققان، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

محلّاتی، ذبیح‌الله، ۱۳۶۴، *ریاحین الشریعه*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

محیطی اردکان، محمدعلی و سمانه کارگر شورکی، ۱۳۹۹، «تحلیل فضیلت اخلاقی صبر بر مصیبت در سیره حضرت زهرا»، *معرفت*، ش ۲۷۴، ص ۶۲-۵۳

_____، ۱۴۰۰، «بررسی تحلیلی علل بینشی صبر حضرت زهرا» هنگام مصیبت، *معرفت*، ش ۲۸۵، ص ۷۹-۸۷.

مکی عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، بی‌تا، *مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة والأولاد*، قم، بصیرتی.

منسوب به امام صادق، ۱۴۰۰ق، *مصباح الشریعه*، بیروت، اعلمی.

نراقی، ملامهدی، بی‌تا، *جامع السعادات*، تصحیح محمد کلانتر، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

mesbahyazdi.ir

منابع.....

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، *مناقب آل‌أبی‌طالب*، قم، علامه.

ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۰۰ق، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، قم، خیام.

_____، ۱۴۰۶ق، *فلاح السائل ونجاح المسائل*، قم، بوستان کتاب.

ابن طیفور، احمد بن ابی‌طاهر، بی‌تا، *بلاغات النساء*، قم، شریف الرضی.

احمدی میانجی، علی، ۱۴۲۶ق، *مکاتیب الأئمة*، تحقیق مجتبی فرجی، قم، دار الحدیث.

استرآبادی، علی، ۱۴۰۹ق، *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، تصحیح حسین ولی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، ۱۴۱۳ق، *عوامل العلوم والمعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال*، تصحیح محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، مؤسسه الإمام المهدی.

برقی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، تحقیق جلال‌الدین محدث، چ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *عمر الحکم ودرر الکلم*، تصحیح سیدمهدی رجائی، چ دوم، قم، دارالکتب الاسلامی.

جزائری، نعمت‌الله بن عبدالله، ۱۳۸۱، *قصص الأنبياء*، ترجمه فاطمه مشایخ، تهران، فرحان.

جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز، بی‌تا، *السقیفة وفدک*، تحقیق محمدهادی امینی، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه.

حسکانی، عبدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تصحیح محمدباقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، *اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین*، تحقیق مؤسسه آل‌البتی، قم، مؤسسه آل‌البتی.

_____، ۱۴۱۲ق، *ارشاد القلوب إلى الصواب*، قم، شریف الرضی.

سلیم‌بن قیس هلالی، ۱۴۰۵ق، *کتاب سلیم‌بن قیس الهلالی*، تحقیق محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم، الهادی.

صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *أمالی*، چ ششم، تهران، کتابچی.

_____، ۱۳۸۵، *علل الشرائع*، قم، مکتبه الداوری.

طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، *الإحتجاج*، تصحیح محمدباقر خراسان، مشهد، المرتضی.

طبری آملی، محمد بن علی، ۱۳۸۳ق، *بشارة المصطفى لشيعة المرتضى*، چ دوم، نجف، المکتبه الحیدریه.

عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، رهیاب نوین هور.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، رضی.

قمی، عباس، ۱۴۱۴ق، *سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار*، قم، اسوه.

کراجکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ق، *کنز الفوائد*، تحقیق عبدالله نعمت، قم، دار الذخائر.